

روز جهانی زنان کارگر

سرمایه داری تساوی صوری را با نابرابری اقتصادی و متعاقباً اجتماعی درهم می آمیزد. این یکی از وجوه اصلی سرمایه داری است، وجهی که تعمداً به وسیله حامیان بورژوازی، لیبرالها، پوشانده شده و دمکراتهای خرده بورژوا از درک آن عاجز مانده‌اند. این سیمای سرمایه داری، الزاماً، برای ما ضروری می سازد که در نبرد قاطعمان برای حصول برابری اقتصادی وجود این نابرابری کاپیتالیستی را به وضوح تصدیق کنیم و حتی در شرایط معینی، این تصدیق آشکار وجود نابرابری را پایه‌ای برای حکومت پرولتاریائی (قانون اساسی شوروی) قرار دهیم. اما حتی در مورد این تساوی ظاهری (برابری در مقابل قانون، «برابری» گرسنه و سیر، دارا و بی چیز) نیز سرمایه داری **نمی تواند** ثابت قدم باشد. و یکی از زنده ترین تظاهرات این ناستواری، موقعیت پست تر زنان نسبت به مردان است. تساوی کامل حقوق زنان و مردان در هیچ کشور سرمایه داری، حتی در پیشرفته ترین جمهوری دمکراتیک بورژوائی نیز برقرار نشده است.

اما از سوی دیگر، جمهوری شوروی روسیه، فوراً تمام آثار قانونی نابرابری زنان را **بدون هیچ استثنائی** از میان برد و بلافاصله برابری کامل آنان را در مقابل قانون تأمین کرد. گفته می شود که بهترین ملاک سنجش سطح فرهنگ وضعیت قانونی زنان است. این کلمات قصار، دارای رگه‌ای از حقیقت ژرف است. از این نظر، تنها دیکتاتوری پرولتاریا، تنها حکومت سوسیالیستی است که می تواند و توانسته است به والاترین سطح فرهنگی نائل شود. بنابراین ایجاد (و تحکیم) اولین جمهوری شورائی - و در کار و در ارتباط با آن، انترناسیونال کمونیستی - بطور اجتناب ناپذیری انگیزه قوی، بی نظیر و جدیدی به جنبش زنان کارگر داد. وقتی از آنهایی که مستقیم یا غیرمستقیم، در کل یا جزء تحت ستم سرمایه داری بوده‌اند صحبت می کنیم، این نیز باید گفته شود که سیستم شورائی، و تنها سیستم شورائی است که دمکراسی را تضمین می کند. این به وضوح به وسیله موقعیت طبقه کارگر و دهقانان بی چیز نشان داده شده است. این آشکارا با موقعیت زنان عیان گردیده است.

اما، سیستم شورائی، آخرین مبارزه قاطع برای **برانداختن طبقات** و برای برابری اقتصادی و اجتماعی است. دمکراسی، حتی دمکراسی برای همه آنهایی که زیر ستم سرمایه داران بوده‌اند و از آن جمله جنس تحت ستم، **از نظر ما کافی نیست.**

این وظیفه اصلی جنبش زنان کارگر است که نه فقط برای برابری تشریفاتی و ظاهری، بلکه برای تساوی اقتصادی و اجتماعی زنان مبارزه کند. مسئله اصلی آن است که زنان در کار تولیدی اجتماعی شرکت داده شوند، از «بردگی خانگی» رهائی یابند، و از انقیاد تحقیر کننده و حماقت آور جان کندن ابدی در آشپزخانه و شیرخوارگاه آزاد گردند.

این یک مبارزه طولانی خواهد بود و یک نوسازی اساسی را، هم در فن اجتماعی و هم در اخلاقیات می طلبد. اما این مبارزه سرانجام با پیروزی کامل کمونیسم، پایان خواهد پذیرفت.

چهارم مارس 1920، مجموعه آثار لنین، جلد 30

ضمیمه پراودا، شماره 52، 7 مارس 1920

روز جهانی زنان کارگر

مراد بلشویسم و انقلاب اکثراً روسیه جلب همان ستم‌دیده‌ترین افراد مردم در تحت رژیم سرمایه‌داری به سیاست است. آنان به وسیله سرمایه‌داران در حکومت سلطنتی و همچنین جمهوری دمکراتیک بورژوائی، ستم دیده، فریب خورده و غارت شده‌اند. تا زمانی که مالکیت خصوصی بر زمین و کارخانه‌ها وجود داشت این ستم و این فریب و غارت ثمره کار مردم به وسیله سرمایه‌داران غیرقابل اجتناب بود.

جوهر بلشویسم و قدرت شوروی در افشای کذب و ریای دمکراسی بورژوازی و الغای مالکیت خصوصی بر زمین و کارخانه‌ها و تمرکز تمام قدرت دولتی در دست توده‌های کارگر و استثمار شده است. کار ساختمان جامعه نوین وارد کردن این توده‌ها به سیاست است. کار آسانی نیست: توده‌ها توسط سرمایه‌داری ستم‌دیده و پایمال شده‌اند اما راه دیگری برای رهائی از بردگی مزدبری و انقیاد سرمایه‌داری وجود نداشته و نمی‌تواند وجود داشته باشد.

اما بدون جلب زنان به سیاست شما نمی‌توانید توده‌ها را به سیاست جلب کنید. زیرا نیمه مؤنث نسل بشری تحت رژیم سرمایه‌داری بطور مضاعف ستم می‌برد. زنان کارگر و دهقانان به وسیله سرمایه‌داری ستم می‌بینند اما بالاتر از همه حتی در دمکراتیک‌ترین جمهوری بورژوائی آنان اولاً از بعضی حقوق به دلیل نابرابری قانونی با مردان محرومند، ثانیاً – و این مسئله اصلی است – آنان در «انقیاد خانه» بوده و به صورت «برندگان خانگی» باقی می‌مانند، زیرا کار پر زحمت و بسیار پست و کمرشکن و تحمیق‌کننده آشپزخانه و خانواده را متحمل می‌شوند.

هیچ حزب یا انقلابی در جهان هرگز رؤیای فرود آوردن چنین ضربه عمیقی را به ریشه‌های ستم و نابرابری زنان مانند آنچه که شوروی و انقلاب بلشویکی انجام می‌دهد در سر نپروراند است. اینجا در روسیه شوروی اثری از نابرابری در قوانین بین مردان و زنان باقی نمانده است. قدرت شوروی تمام نابرابری‌هایی را که در قوانین درباره خانواده، ازدواج و فرزندان وجود داشت و خصوصاً نفرت انگیز، فرومایه و ریاکارانه بود از میان برداشت.

این تنها نخستین گام برای آزادی زن است. اما هیچ یک از جمهوری‌های بورژوائی حتی دمکراتیک‌ترین آنها هم جرأت برداشتن این گام نخست را نیز نداشته است. دلیل این امر حرمت به «مالکیت خصوصی مقدس» است.

دومین و مهم‌ترین گام الغای مالکیت خصوصی بر زمین و کارخانه‌ها است. این مسئله، و تنها این مسئله راه را برای آزادی کامل و واقعی زنان یعنی آزادی زن از «بردگی خانگی» از طریق انتقال خانه‌داری حقیر فردی به خدمات خانگی وسیع اجتماعی شده می‌گشاید.

این تحول سختی است، زیرا مستلزم تغییر شکل ریشه‌دارترین، کهنه‌ترین، کوتاه‌نظرانه‌ترین و سخت‌ترین «نظم» (اگر بگوئیم بی‌شرمی و توحش، به واقعیت نزدیک‌تر است) می‌باشد. اما تحول آغاز گردیده و حرکت شروع شده است، ما در راه نوینی قدم گذاشته‌ایم.

بنابراین در این روز جهانی زنان کارگر، مجالس بی‌شمار زنان کارگر در تمام کشورهای جهان به روسیه شوروی که برای اولین بار به این وظیفه بی‌مانند و بسیار سخت اما بزرگ، وظیفه‌ای بزرگ در حد جهانی و حقیقتاً آزادکننده دست زده است درود خواهند فرستاد. ندهای نیروبخشی از ما خواهند خواست که جسارت خود را در برابر واکنش بیرحمانه و غالباً وحشیانه بورژوازی از دست ندهیم. هر قدر که یک کشور بورژوائی «آزادتر» و «دمکراتیک‌تر» است طغیان گروه‌های سرمایه‌داران آن علیه انقلاب کارگران وحشیانه‌تر می‌باشد. جمهوری

دمکراتیک ایالات متحده آمریکا شمالی نمونه این مسئله است. اما توده‌های کارگران بیدار شده‌اند. توده‌های خفته و خواب آلوده و بی تحرک در آمریکا و اروپا و حتی آسیای عقب افتاده بالاخره توسط جنگ امپریالیستی بپا خاسته‌اند. سد در هر گوشه از جهان شکسته شده است.

هیچ چیز نمی تواند امواج آزادی خلق ها را از یوغ امپریالیسم و آزادی مردان و زنان زحمتکش را از یوغ سرمایه متوقف سازد. این مسئله توسط دهها و صدها میلیون تن از زنان و مردان زحمتکش در شهر و روستا به پیش می رود. به همین دلیل است که امر آزادی کار از یوغ سرمایه در سرتاسر جهان پیروز خواهد شد.

چهارم مارس 1921، مجموعه آثار، جلد 32
ضمیمه پراودا، شماره 51، 8 مارس 1921